

تأثیر شاهنامه‌ی حکیم فردوسی در شبه قاره‌ی هند

شیخ اشتیاق احمد¹

چکیده

در بیان شعر حماسی فارسی تاکنون کسی به پایه ابوالقاسم فردوسی نرسیده است. فردوسی با سرودن شاهنامه نه فقط شاهکاری در ادبیات فارسی خلق کرد بلکه یک نظم حماسی بی همتا و بی نظیر سرود که تأثیر بسیاری بر زبان و ادبیات جهان گذاشت. در این تأثیرات سرزمین هندوستان هم بی بهره نماند. پیوند میان ایران و سرزمین پهناور هند - که امروز به سه کشور هند، پاکستان و بنگلادش تقسیم شده است - به روزگار پیش از تاریخ می رسد. شاعران، نویسندگان، فیلسوفان و متفکران این دو کشور سازنده دو تمدن و فرهنگ عمیق و ریشه دار و همچنین خالق شاهکارهای ادبی بوده اند. کتاب ملی ایران یعنی شاهنامه که بهترین شاهکار ادبیات حماسی در سراسر جهان شناخته می شود، تأثیر عمیقی بر ادبیات فارسی هند گذاشته است و به همین سبب شاهنامه نویسی در هند رواج بسیار پیدا کرد. با رواج زبان و ادبیات فارسی در هند شاهنامه فردوسی شهرت و مقبولیت فوق العاده ای بدست آورد، و شعرای متعددی نظیر مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، تاج الدین ریزه و دیگران در سرزمین هند از شاهنامه فردوسی الهام گرفتند. امیر خسرو دهلوی اثری به نام آینه اسکندری یا نامه اسکندری یا اسکندر نامه خسروی دارد که آن را در چهار هزار بیت در وزن شاهنامه فردوسی سروده است. بدرالدین چاچی در شرح کارنامه محمد بن تغلق، پادشاه دهلی، مثنوی ای به نام شاهنامه در سی هزار بیت سرود. خواجه عبدالملک عظامی، فتح السلاطین را به سبک شاهنامه به نظم کشید. فیضی دکنی ملک الشعراى جلال الدین محمد اکبر، پادشاه گورکانی، همایون نامه نخستین تاریخ منظوم فارسی را در دوره تیموریان هند را در وزن شاهنامه فردوسی نوشت. همچنین پادشاهان قطب شاهی برای حفظ و نگهداری تاریخ و فرهنگ مملکت خویش به تبعیت از شاهنامه فردوسی برای تدوین شاهنامه دستور دادند. شاعری به نام غلام حسین، فتحنامه تیپو سلطان را که شرح جنگاوری های تیپو سلطان، حکمران میسور بر ضد انگلیسی ها از سال 1198 ق به نظم کشید. حمید الله کشمیری، معروف به فردوسی کشمیر نیز منظومه حماسی تاریخی اکبر نامه را که در شرح جنگ های افغانان، سیک ها و انگلیسی ها است به تبع شاهنامه فردوسی به پایان رسانید. پادشاهان هند خواندن شاهنامه را هنگام جنگ و کارزار، برای برانگیختن احساسات رزم و دلآوری جنگجویان بسیار لازم و ضروری می دانستند. به همین علت شاهنامه نویسی در ادوار مختلف مورد توجه قرار داشت. در این مقاله تلاش شده است که به تأثیرات مختلف شاهنامه فردوسی در ادبیات فارسی هند پرداخته شود و جوانب مختلف آن مورد بحث قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: شاهنامه نویسی، ایران، هند، ادبیات فارسی هند.

¹استادیار، مرکز زبان فارسی و مطالعات آسیای میانه، دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو، رایانامه: skishtiaque@yahoo.co.in

در میان شاعران ایرانی که بر ادبیات و فرهنگ شبه قاره‌ی هند اثر گذاشتند و شهرت و مقبولیت خاصی کسب نمودند، نام حکیم ابوالقاسم فردوسی در آغاز نامهاست. بزرگترین دلیل این ادعا صدها نسخه‌ی خطی و چاپی «شاهنامه» در کتابخانه‌های هند و پاکستان است. علاوه بر آن، آثار زیادی در تتبع و تقلید شاهنامه نیز از دانشمندان و نویسندگان این سرزمین برجا مانده است. گزیده‌ها و ترجمه‌های شاهنامه هم به فراوانی یافته می‌شود.

حماسه سرایی در شبه قاره‌ی هند سابقه‌ی قدیمی دارد. «مهابهارتا»، «رامایانا» و غیره حماسه‌های ملی هند محسوب می‌شوند که قرن‌ها پیش از شاهنامه پدید آمدند. پس، بی تردید می‌توان به این نتیجه رسید که حماسه و حماسه سرایی در بین مردم هند یک ذوق و علاقه خدادادی بوده است و این ذوق و علاقه خدادادی یکی از بزرگترین دلایل شهرت و مقبولیت شاهنامه در هند می‌باشد.

با حضور دولت غزنویان در هند، زبان فارسی هم در شبه قاره‌ی هند رواج یافت و با ورود اهل علم و ادب ایرانی به این سرزمین، شهرت شاهنامه نیز به هند رسید. شاعران فارسیگوی مقیم در شبه قاره‌ی هند مانند مسعود سعد سلمان، مختاری غزنوی، ابوالفرج رونی، تاج الدین ریزه یا سنگریزه در اشعار خود از شاهنامه بهره فراوان برده اند.

امیر خسرو دهلوی شاعر برجسته سبک هندی، اثری به نام «آئینه‌ی اسکندری» دارد که حاوی چهار هزار بیت است. امیر خسرو این منظومه را به پیروی از فردوسی بر وزن شاهنامه (بحر متقارب مثنیٰ مقصور) سروده است. علاوه بر آن امیر خسرو آثار زیادی نظیر «فتوح السلاطین»، «تغلق نامه» و غیره دارد که تحت تأثیر فردوسی و شاهنامه وی قرار دارند.

«از شواهد تاریخی بر می‌آید که مقبولیت شاهنامه تاجران ایرانی را تشویق می‌کرد که نسخه‌هایی از آن را برای فرمانروایان و امیران این سامان به ارمغان بیاورند.» (دانشنامه‌ی ادب فارسی، ج 2، ص 1476)

تأثیر شاهنامه در بسیاری از کتابهای به زبان سانسکریت و هندی هم دیده می‌شود. «راج ترنگینی»، «راجا ولی پتاکا»، «پرتھوی راج راسا» و غیره از جمله آثاری می‌باشند که تأثیرات شاهنامه‌ی فردوسی در آنها بسیار مشهود است.

تا آنجا که علاءالدین خلجی، ملا فخرالدین قوآس در فرهنگ نامه‌ی خود (فرهنگ نامه‌ی قوآس) به شرح واژگان و ترکیبات پهلوی شاهنامه پرداخته است. چنانچه خود می‌گوید:

«نخست شاهنامه را که شاه نامه‌ها است، پیش آوردم و از سر تا پا به خانه فرو خواندم. آنچه از سخن پهلوی بود همه را جداگانه بر کاغذ نوشتم، فرهنگنامه‌های دیگر که آن را فرهنگ نامه نوشته اند، در زبان تازی و فارسی ترجمه کردم. همه را فرد فرد، یکان یکان، در خانه کاغذ نگار آوردم و ن را بخش بخش و بهره بهره کردم.»

در کتب تاریخ آمده است که پادشاهان و شاهزادگان و امیران که اهل شعر و ادب بودند شاهنامه را از بر می‌کردند. این یکی از روشن ترین و عمده ترین مثالهای مقبولیت و نفوذ شاهنامه در شبه قاره‌ی هند است.

بدرالدین چاچی که به دربار محمد بن تغلق وابسته بود، اثری منظوم به نام «شاهنامه» در توصیف و شرح کارهای محمد بن تغلق در سی هزار بیت به یادگار گذاشته است.

خواجه عبدالملک عظامی که بعدها به دربار بهمنیان پیوست، تاریخی مبسوط به سبک شاهنامه نگاشته که به نام «فتوح السلاطین» مشهور است. محتوای این اثر وزین با ذکر پادشاهان قدیم آغاز می‌شود و تا ذکر علاءالدین حسن کنگو، نخستین فرمانروای بهمنیان دکن، ادامه دارد. این مثنوی حاوی دوازده هزار بیت است.

«بهمن نامه» سروده‌ی شیخ آذری اسفراینی نیز یکی از منظومه‌های مهم حماسی در هند بشمار می‌رود که در روزگاران بهمنیان به شیوه‌ی و وزن شاهنامه نوشته شده است. شیخ آذری در حین نگارش «بهمن نامه»، درگذشت و ملا نظیری و ملا سامعی ادامه سرایش بهمن نامه را به عهده گرفتند و بخش پایانی «بهمن نامه» یعنی پس از داستان علاءالدین شاه بهمنی تا انقراض دولت بهمنی، توسط آنها سروده شد. به تازگی دیوان آذری در ایران هم به چاپ رسیده است.

با تأسیس پادشاهی تیموریان هند در شبه قاره، اوضاع سیاسی و اجتماعی هم تغییر یافت. کنار این تغییرات قصیده گوی سبقت را از مثنوی ربود. در این دوران شعرا بیشتر به مدیحه سرایی و اشعار عاشقانه و عرفانی رو کردند. اما با همه این مسایل اهمیت و مقبولیت شاهنامه به جای خود باقی ماند. مخصوصاً در جنگها برای برانگیختن احساسات جنگجویان، شاهنامه خوانی از اهمیت خاصی برخوردار شد.

ذکر دو جمله از نامه ابوالفضل به عبدالرحیم خان خانان که در هنگام جنگ به او فرستاده بود، دلیلی بر این مدعا خواهد بود:

«... مذاکره‌ی مجلس شما همراه با،... شاهنامه... باید باشد، نه اخلاق ناصری و مکتوبات شرف منیری و خاقانی و حدیقه که آن گفتگو تجرد است...»

و در جایی دیگر می‌نویسد:

«در این ولایت... شاهنامه مطالعه فرمایند، غرض آن است که هنگام گفتگو بر آن اساس باشد...»

به همین سبب با وجود نفوذ و رواج قصیده و غزل، حماسه سرایی تاثیر خود را از دست نداد، و به تقلید از شیوه و وزن شاهنامه آثار زیادی پدید آمد.

خلاصه اینکه تقلید از شاهنامه چه از لحاظ محتوا و چه از لحاظ شیوه و وزن ادامه پیدا کرد و در کنار آن ترجمه و خلاصه نویسی از شاهنامه هم جایگاه خود را داشت. نخستین تاریخ منظوم دوره‌ی تیموریان هند «همایون نامه» که سرودن آن به ملک الشعرا فیضی منسوب است به تقلید از وزن شاهنامه سروده شده است. خاورشناس معروف غربی، چارلز ریو در فهرست نسخه‌های خطی خود منظومه‌ی دیگری را هم به نام فیضی ذکر نموده و بیت زیر را نقل کرده است:

چو سلطان انجم ز خاور زمین به رسم عرب گشت محمل نشین¹

تأثیرات عمیق فردوسی را در ادبیات شبه قاره با توجه به این نمونه‌ها می‌توان اثبات کرد.

¹ البته ایت بیت منسوب به فیضی دکنی است و در این نسبت هنوز شک و تردید می‌باشد.

همین طور «نسب نامه‌ی قطب شاهی» سروده‌ی حسین قلی شاه فرسی شیدانی حاوی رویدادهای زمان دولت محمد قطب شاه، پادشاه سلسله‌ی قطب شاهی گلکنده در قرن دهم (هجری) می‌باشد.

از سوی دیگر، در دولت عادل شاهی شاعری به نام «آتشی» مثنوی «عادل نامه» را بنام محمد عادل شاه تمام کرد. این مثنوی شهرت فراگیری را کسب کرد. ملا باقر خورده کاشانی که به دربار عادل شاهی بستگی داشت، در یک رباعی حکایت فردوسی و صله‌ی شاهنامه را به طور تلمیح بکار برده است:

خوانند دو جا به دهر ارباب سخن نزد شه غزنین و شهنشاه دکن

بی جا صله بردند ظهوری و حسن بی جایزه ماند شعر فردوسی و من

چنانکه قبلاً نیز گفته شد، ایرانیان (بخصوص تاجران) برای خوشنود ساختن شاهان و امیران این سرزمین نسخه‌های شاهنامه را برای آن هدیه می‌آوردند و صله‌ها دریافت می‌نمودند. از این ذوق علمی شاهان و امیران تاثیرات و نفوذ شاهنامه را در دربارها می‌توان درک کرد.

جهانگیر شاه در جهانگیرنامه‌ی خود نقل می‌کند که حاکم تته، نسخه مصور شاهنامه را به او ژیشکش کرده است. «...حاکم تته، شاهنامه ... مصور ... با دیگر تحف ها به رسم پیشکش فرستاد...»

کامی سبزواری یکی دیگر از شاعران عصر جهانگیر شاه مثنوی «فتح نامه‌ی نور جهان بیگم» را در بیان جنگهای فرزندش شاهزاده خرم که به نام شاهجهان شهرت یافت، سرود. این مثنوی چنانکه از نامش روشن است به ترغیب نور جهان بیگم، همسر جهانگیر شاه نوشته شد.

«ظفرنامه‌ی شاهجهانی» از قدسی مشهدی اثر مهم دیگری است که در زمان دولت شاه جهان نوشته شد. البته این اثر هم مانند بهمن نامه‌ی شیخ آذری به علت درگذشت شاعر ناتمام ماند. ابوطالب کلیم کاشانی به اتمام این اثر همت گماشت و آن را به پایان رساند. این مثنوی هم به تقلید از شیوه و وزن شاهنامه نگاشته شده است و این طور آغاز می‌شود:

به نام خدایی که داد از شهان جهان پادشاهی به شاه جهان

اثر دیگری از ابوطالب کلیم به نام «شاهنشاه نامه» بر جا مانده است که حاوی وقایع و توصیف جنگها و رویدادهای سیاسی آن دوره است. این مثنوی از بیان روزگار امیر تیمور آغاز می‌شود و به فتح تبت به دست ظفر خان احسن به پایان می‌رسد. این مثنوی چنین آغاز می‌شود:

الهی به سوی خودم راه ده دل روشن و جان آگاه ده

لازم به ذکر است که این اثر هم دارای وزن شاهنامه است. این مثنوی دارای پانزده هزار بیت است و به نامهای «فتوحات شاه جهانی»، «ظفرنامه‌ی شاه جهان»، «پادشاه نامه»، «شاه جهان نامه» و «شاهنشاه نامه‌ی کلیم» نیز معروف است.

در زمان دولت شاه جهان، اثر دیگری به نام «پادشاه نامه» در نظم وقایع پادشاهی شاه جهان از میر محمد یحیی کاشانی دیده می‌شود که نمونه ای دیگر از تمایل و گرایش حماسه سرایی در آن عهد است. البته این مثنوی به علت درگذشت یحیی کاشانی ناتمام ماند.

همانطور که قبلاً اشاره شد آثاری در نثر هم به تاثیر شاهنامه سروده شده است. «پادشاه نامه» از ملا عبدالحمید لاهوری مشهور ترین و مهم ترین اثر منشور دوران شاه جهان محسوب می شود. این اثر مشتمل بر سه جلد است و پاره ای از اشعار شاهنامه نیز در آن آورده شده است.

اثری دیگر به نام «پادشاه نامه» که تاریخ منظوم دولت شاه جهان است از شاعری بنام «حضوری» به پیروی از شاهنامه سروده شده است.

«آشوب نامه‌ی هندوستان» یا «آشوب هندوستان» از بهشتی شیرازی یکی دیگر آثار مهمی این دوران است. وی که به دربار مراد بخش، پسر شاه جهان وابسته بود. وقایع کشمکشهای پسران شاه جهان بر سر حکومت هند را در این اثر مکتوب کرده است. از آنجا که شاعر خود در بیشتر جنگها حضور داشت، اطلاعاتی که در این مثنوی گرد آوری نموده بسیار مهم و معتبر محسوب می شود.

من این رزمها را همه دیده ام ز کس همچو افسانه نشنیده ام

پس از درگذشت اورنگزیب و ورود انگلیسیها به شبه قاره‌ی هند بار دیگر اوضاع سیاسی و اجتماعی این سرزمین تغییر یافت. البته این تغییر رواج شاهنامه سرایی و شاهنامه خوانی را گسترده تر نمود. چون اوضاع سیاسی و اجتماعی همه درهم بود، بجای قصیده و غزل داستانهای حماسی تنها باعث دلگرمی مردم بود. از آثاری که در تقلید شاهنامه در این دوره بوجود آمد «جنگنامه‌ی محمد اعظم شاه» از محمد افضل سرخوش کشمیریاز اهمیت بسیاری برخوردار است. این اثر مشتمل است بر بیان مبارزات محمد شاه اعظم با برادرش شاه عالم بهادر شاه اول از پسران اورنگزیب. در مقابل آن، اثری از سراینده‌ی ناشناس به نام «جنگنامه‌ی بهادر شاه» نیز بر جای مانده است. هر دو این آثار در پیروی از شاهنامه نوشته شده است.

رای زاده دونی چند اثری به نام «کیگوهر نامه» در تاریخ خاندان گکهران (تیره ای در پنجاب) به نثر تالیف نمود. این اثر حاوی جنگهای خاندان گکهران با سبکتگین و محمود غزنوی است. در لابلای متن ابیاتی بروزن شاهنامه نیز آورده است. در آغاز این منظومه آمده است:

به نام خدا مالک دو جهان شروع کردم از قصه‌ی گکهران

و در جایی دیگر می گوید:

زهی شهسواران به عرصه نبرد که از تن هزاران به آورد گرد
عدوی بد انجام جان تنگ شد سبوی سرش خام بر سنگ شد

اثری دیگر به نام «شاهنامه» از مقصود مقصودی است که در روزگار فرخ سیر سروده شد. از نامش روشن است که این اثر کاملاً در تقلید از شاهنامه‌ی فردوسی سروده شده است و چنین آغاز می شود:

به نام خداوند بیضای طور به چشم سخن کحل سیمای نور
خداوند جمهور، نقش محک خداوند ارض و سما و ملک

«شاهنامه‌ی نادری» از محمد علی فردوسی ثانی طوسی که همراه با نادر شاه به هند آمد یکی از آثار مهم دیگری است که در تقلید از شاهنامه در شبه قاره سروده شده است. حتی نام شاعر هم «فردوسی ثانی» است! این مثنوی چنین آغاز می‌شود:

خدایا تویی چاره ساز همه به تو روی عجز و نیاز همه

عشرت سیالکوتی اثری به نام «شاهنامه‌ی احمدی» بر جا گذاشته است که در تاریخ منظوم احمد شاه درانی و یورشهای اوست. این مثنوی با بیت زیر آغاز می‌شود:

به نام شهنشاہ معراج بخش خدیو ز تخت افکن تاج بخش

در «سحر البیان» اثر میر حسن دهلوی که از مثنوی‌های مشهور زبان اردو است تأثیرات قوی شاهنامه را می‌توان دید. میر حسن دهلوی از وزن شاهنامه برای سرودن این منظومه بهره گرفته است. وی در ادبیات اردو همان مرتبه‌ی فردوسی و نظامی را در ادبیات فارسی دارد.

«فتح نامه‌ی تیبو سلطان» از غلام حسن اثر مهم دیگری است که در زمان انگلیسها سروده شده و شامل بیان جنگهای تیبو سلطان حاکم میسور با انگلیسها است.

صفدر علی شاه منصف، شاهنامه‌ای به نام «جرجیس رزم» سروده که شرح جنگهای انگلیسها در هند است. بیت آغازین این مثنوی چنین است:

به نامی که نامش سر نامه‌ها ز سر تا به پا زو زبان خامه‌ها

ملا فیروز بن کاوس، از زرتشتیان هند، شاهنامه‌ای به نام «جرج نامه» دارد این شاهنامه شامل تاریخ هند از هنگام ورود پرتهالی‌ها تا گرفتن شهر پونا است. این مثنوی حاوی چهل هزار بیت است و به نام حکمران انگلیس جرج سوم معنون شده است.

«اکبر نامه» از حمیدالله کشمیری معروف به فردوسی کشمیر، «شاهنامه‌ی بهادر شاهی» از میرزا محمد شیرازی معروف به نعمت خان عالی، «معظم نامه» و «انور نامه» از ملک الشعرا میر محمد اسماعیل ابدی، «شاهنامه‌ی هند» از مهاراجه پوروه کریشنادیو، «شاهنامه‌ی رنجیت سنگه» از مولوی احمدیار، «ظفرنامه‌ی رنجیت سنگه» از کنهیا لال هندی، «شاهنامه‌ی منور کلام» (در نثر) از شیوداس لکهنوی، «نخبه السیر» (به نثر) از محمد فضل امام خیرآبادی، «شاهنامه» از امام بخش شیروی و غیره از جمله آثار مهمی هستند که در تقلید و تحت تأثیر شاهنامه‌ی فردوسی نگاشته شده اند. علاوه بر اینها آثار دیگری هم هستند که بسبب اطلاع کلام از ذکر آنها خودداری می‌شود.

تأثیر و نفوذ فراگیر شاهنامه سبب ترجمه شاهنامه به زبانهای دیگر هند نیز شد. بویژه به زبان بنگالی. ترجمه‌های منظوم مزمل حق و ترجمه‌های منثور بهویش رای بسیار شهرت دارند. علاوه بر آن «شاهنامه‌ی کودکان» از مولوی ابراهیم خان (داکا)، «شاهنامه برای بچه‌ها» از واجد علی، ترجمه‌ی «رستم و سهراب» از دویجنرالال رای و غیره از ترجمه‌های دیگر شاهنامه به زبان بنگالی می‌باشد.

«سراج التواریخ» از نذر علی نخستین ترجمه‌ی شاهنامه به زبان اردو است. همچنین ترجمه‌های میرزا مهدی علی خان، سید باقر حسین، دیوس سنگه به زبان اردو نیز منتشر شده اند.

آچاریا دارمندارات شاهنامه را به زبان سنسکریت منظوم ترجمه کرده است و به زبان هندی ترجمه ای منشور بر جا گذاشته.

ترجمه‌های شاهنامه به زبان سندی توسط میر حسن علی خان تالپور، محمد عاقل عاقلی، غلام مرتضی شاه رضوی و غیره صورت گرفته است.

امام بخش سیالکوتی داستانهایی چند از شاهنامه را به زبان پنجابی برگردانده است. از مترجمان دیگر پنجابی شاهنامه می‌توان از مولوی نظر محمد و رنجیت سنگه و جنگ سنگه نام برد. علاوه بر زبان پنجابی، قسمتهایی از شاهنامه به زبان گجراتی نیز ترجمه و چاپ شده است.

در این فرصت کوتاه تنها گزارش گونه ای از تاثیر و نفوذ شاهنامه در شبه قاره ی هند و ترجمه‌های آن به زبانهای مختلف شبه قاره به سمع و نظر شما رسید. اما همین کوتاه هم می‌تواند نشانه تاثیر عمیق شاهنامه در شبه قاره ی هند باشد. تأثیری که نه تنها دربار زاده‌ها را مزین ساخت بلکه جان روح شاعران را در بر گرفت و در شکل شعری روحنواز جان و دل را با خود همراه ساخت. به جرئت می‌توان از این تأثیر به «تاثیر ابدی» تعبیر کرد.

منابع و مأخذ:

- دانشنامه‌ی ادب فارسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران 1380.
- دانشنامه‌ی زبان و ادب فارسی در شبه قاره، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران 1384.
- فرهنگ ادبیات فارسی، محمد شریفی/محمد رضا جعفری، انتشارات معین، تهران 1387.
- شاهنامه از دست نویس تا متن، جلال خالقی مطلق، میراث مکتوب، تهران 1390.
- کتاب شناسی فردوسی و شاهنامه، ایرج افشار، میراث مکتوب، تهران 1390.
- ارمغان ادبی، یونس جعفری، انتشارات محمود افشار، تهران 1386.
- شعر العجم، شبلی نعمانی، دارالمصنّفین، شبلی اکیدمی، اعظم گر، هند 2007.
- History of Iranian Literature, Jan Rypka, Dordrecht-Holland, 1956
- تاریخ ادبیات ایران، بدیع الزّمان فروزانفر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران 1383.
- Dreams Forgotten, Dr. Waris Kirmani, Aligarh, 1986
- تاریخ زبان و ادبیات ایران، ای جی براون.
- مقایسه‌ی زبان حماسی و غنایی، زهرا پارسا پور، انتشارات دانشگاه تهران 1383.
- دیوان آذری اسفراینی، بکوشش محسن کیانی و سید عباس رستاخیز، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران 1390.
- Ethics in Persian Poetry, Ghulam Abbas Dalal, Abhinav Publication, New Delhi 1995
- نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، توفیق سبحانی، انتشارات دبیر خانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران 1377.